

کدام تیم ملی است؟

عباس عبدي

باعث تاسف است که برخی افراد جامعه ایران چنان در فضای غیرواقعی غرق شدند که نسبت به تیم ملی فوتبال نیز اما و اگر ایجاد کردند و حتی از باخت آن ابراز خوشحالی کردند. گرچه بعید میدانم که آنان تعداد زیادی باشند و به ویژه آنکه فضای عمومی به سرعت علیه این رویکرد شد، ولی در این یادداشت می‌کوشم معنای تیم ملی را اعم از تیم ورزشی یا سیاسی و... نشان دهم و بگویم که نفي تیم ملي فوتبال، نفي مفهوم ملي است. چه کسانی عضو تیم ملی فوتبال هستند؟ اول از همه آنانی عضو هستند که مطلقاً به دلایل غیر حرفه‌ای انتخاب نمی‌شوند. یعنی هیچ عضوی منتسب به خانواده‌ای صاحب‌نام و دارای نفوذ نیست. شاید تیم لیبی چنین وضعی را نداشت که فرزند قذافی به صفت این انتساب به حاکم آنجا عضو آن تیم بود و تیم‌های فرزندان او باید برنده بازی‌های لیگ لیبی می‌شدند. ولی در ایران حداقل تا این لحظه چنین نیست و اگر مواردی هم بوده به ندرت بوده، ضمن اینکه تفاوت حرفه‌ای فرد انتخاب شده با فرد لایق کم بوده است. برای عضویت در تیم ملی چه مراحل طی می‌شود؟ اول باید در تیم‌های پایه بازی کرد. آنجا هم براساس شایستگی بالا آمد. کارشناسان و استعدادیابان فوتبالی آن بازی‌ها را می‌بینند، افراد لایق را برای تیم‌های مهم انتخاب می‌کنند، هر بازیکن قیمتی متعارف دارد. کسی حاضر نیست پول مفت بابت بازیکن ناتوان بدهد. بازیکن در میدانی شفاف بازی می‌کند. تماشاگران و رسانه‌ها به او نمره می‌دهند. همه چیز واقعی و قابل سنجش است. سپس يك مربی کاربلد و مستقل از میان افراد موجود یا حتی خارجی کسانی را برای تیم ملی انتخاب می‌کند. اینجا ممکن است برخی ملاحظات و سلايق وجود داشته باشند، ولی در نهایت کمتر مورد ایراد است. آنان با یکدیگر و در میدان بازی با قواعد روشن که همه آن را می‌دانند و با حضور داور بیطرف رقابت می‌کنند. خشونت و اعتراض، موجب اخطار و اخراج می‌شود. قواعد را باید رعایت کنند، به همین علت است که در تیم ملی فوتبال از همه افراد با هر قومیت و مذهبی و هر میزان از تقیدات دینی می‌توان دید.

گزینش به آن معنایی که در امور دیگر هست، ندارد، مگر آنکه خلاف آشکاری کنند که همه مردم نسبت به آن حساس هستند. نه کاری به تنو

کردن آنان دارند و نه در زندگی شخصی آنان دخالت می‌کنند و نه به نماز خواندن و روزه گرفتن آنان. آنان حق دوپینگ ندارند، والا اخراج می‌شوند. سپس باید در میدان‌های بین‌المللی در برابر تیم‌های دیگر با شرایط معین وارد رقابت شوند. قبولی و مردودی آنان نیز کاملاً روشن است. مطابق ضوابط و داوری بیطرف و رعایت عدالت و انصاف بازی می‌کنند و هر تیم که برنده شود، حقش محفوظ است. این یعنی تیم ملی. اگر همین ضوابط و شرایط برای تیم‌های گوناگون کشور از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، دانشگاه و همه حوزه‌های دیگر تعیین و اجرا شود، آنان نیز تیم‌های ملی هستند. به میزانی که از این ضوابط دور هستند از مفهوم تیم ملی بودن دور هستند و تیم فرقه‌ای محسوب می‌شوند. تیم ملی فوتبال به دلیل غلبه اصول حرفه‌ای در انتخاب آنان که حتی مربی تیم نیز خارجی است و قرار است که استقلال نسبی از قدرت هم داشته باشند، مظهر و نماد مردم ایران و ملی است. این تیم هم به لحاظ اسم و هم از زاویه ملاک‌ها و اعتبار و رسم تیم ملی است و شایستگی دارد که ایران را نمایندگی کند. کافی است که فرآیند انتخاب تیم ملی را با تیم مجلس موجود مقایسه کنید تا معلوم شود تفاوت کارایی این دو تیم در اجرای وظایف و نمایندگی مردم چقدر متفاوت است؟ همین که تیم ملی فوتبال مبرا از پایگاه‌های انتسابی سیاسی است معیار خوبی برای فهم ماجراست. اگر روزی کسی در سیاست و مجلس و براساس کوشش خود مثل دروازه‌بان کنونی تیم ملی بالا بیاید، آن روز تیم سیاست هم ملی می‌شود.

منبع: ریشه‌ها 7 آبان 1401